



۲۰۱۶/۰۶/۱۲



پروفیسور . رشید
استاد مرکز مطالعات فارسی - پشتو و آسیای میانه
پوهنتون جواهر لال نهرو - هند

عریان الغیب

اثری جدیدی دیگری از عارف بزرگ افغان حضرت بابزید روشن



صفحه اول عریان الغیب

آثار و افکار عارفان و صوفیای کرام روشانیه در جمع آثار و افکار تصوفی و عرفانی شرق به حساب میایند که در اکثر مواقع توجه نویسندگان و محققین نیم قاره هند، افغانستان و ایران را بخود جلب نموده است. موسس و پیر کامل سلسله روشانیه بابزید روشن پسر عبدالله اورمر از متولدين جلندر پنجاب و پروردگان کانی گورم وزیرستان می باشد. از ایام جوانی در تلاش حقیقت و راستگاری گردید با اهل عرفان و تصوف پیوست، از ایشان آموخت و بالاخره به مرحله خود را رسانید تا متیقین شد که :

در طلب زن دایماً تو هر دو دست
کی طلب در راه نیکو رهبر است (مثنوی)

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

وبایزید نیز خود را درگرمای گرم شور و هلهله تصوف شرق به مقام و منزلت پیرکامل رساند. بابیزید این عارف بزرگ افغان و خانواده ایشان نه تنها در راه درک حقانیت حق به تلاش پرداختند بلکه بخاطر پرورش نسلهای دیگر از سرسپردگان راه حقانیت نیز عملاً سرپرستی و مراقبت نموده است. روشن خود بخاطر رسیدن به این هدف والای انسانی به تصنیف آثار عرفانی و مذهبی پرداخت که مشهورترین آن عبارت اند از: خیرالبیان، حالنامه، مقصود المومنین، صراط التوحید، فخرالطالین، مکتوبات و شمار دیگر می باشند. خیرالبیان اثری در باره شناخت و توضیح مقامات تصوفی است که آنرا بابیزید روشن بخاطر تربیت سالک و عارف روشانی توصیه می کند و وانمود کرده است که هر آنچه درین اثر نوشته و شرح داده است همه آن درپرتو ارشادات قرآنی و احادیث محمدی بوده است که میتواند راهنما و رهبر روشن ضمیران و عارفان باشد. نظریات و ایده های حضرت بابیزید هادی نه تنها منحصر به عهد و زمان اش بود بلکه این دروس و ایده ها عرفان اسلام بعد از پیر روشن توسط عارفان پیرو طریقه روشانی چون ارزانی خویشکی، میزا خان انصاری، دولت لوحانی (لوانی) و ده های دیگر پیگیری شد که اینها هر کدام شان به نوبه خود ستون های استوار قصر مرمین عرفان روشانی را تشکیل دادند و صاحبان دها دیوان و آثار گرانها در زبان های پشتو و فارسی دری نیز گردیدند. ارزانی خویشکی (وفات 1028 هجری درپتنه بیهار) اولین شاعر تصوفی صاحب دیوان زبان پشتو نیز از ارکان بزرگ این سلسله به شمار آمد که بعد از شهادت پیرکامل اش (روشان) از پشتونخوا به هندوستان تشریف فرما شده از آنجا مطابق نوشته های سجاده نشین کنونی درگاه و خانقاه آن (دوکتور حسین صاحب) به مکه مکرمه و مدینه بخاطر ادای حج سفر کرد و بعد از بازگشت دوباره به هند برگشته و آخرین مقر زندگی اش شهر پتنه بیهار گردید که در آنجا در سال یاده شده با حق پیوسته است. مزارش در قلب شهر پتنه بوده خانقاه اش از ادتگاه هزاران ارادتمند اش بوده است که روزانه به آنجا تشریف می برند.

باید گفت که طریقه و سلسله عرفانی روشانی و تلاش های این سلسله در نیم قاره هند برای مدت زیادی از نظر عرفان شناسان اسلامی بدور نمانده است، از آنجاییکه تعلیمات این سلسله از طرف پیروان آن در هندوستان دوران مغلی در شمال این کشور جریان داشته است ازینرو شاعران و عارفان که منسوب به این سلسله افغانی بودند به نوبه خود به نوشتن و ایجاد آثاری نیز پرداخته اند که با تاسف برخی ازین آثار در اثر تعصبات سیاسی و فکری که در مقابل نظریات و تفکر خاصی عرفانی روشانیان عمداً از طرف حلقات شناخته استخدام شده از طرف حکومت مغلی هند پیشبرده می شد یا از بین رفته و یا هم بالآخر تلاش های دانشمندان و پیروان این طریقه در اوقات مختلف از گزند زمان در امان مانده است که اکنون آهسته آهسته این گنج پر بها و ذخیره علمی عرفان جاویدان شرق از گوشه گوشه هند و جهان سر می کشند که اینک یکی ازین گنجینه ها درین آواخر در هندوستان شمالی به دست ما رسید که آن عبارت از (عریان الغیب) اثری از حضرت بابیزید روشن بزرگ بوده که بزبان دری نوشته شده و یکی از بهترین اضافه های در تصوف و عرفان شرق به حساب آمده میتواند.

عریان الغیب نسخه پر بهای است که با خط زیبای نستعلیق تحریر یافته است. دو صفحه اول و آخر و یک صفحه از مابین نسخه را شما دوستان گرانقدر ملاحظه می فرمایید، در آن ذکری بعمل آمده است که این نسخه را بابیزید هادی در مقابل سوالات که از طرف یکی از عزیزان و شاگردان و مریدان وی بنام حسین بن حسن ارایه گردیده است. اینکه حسین کی است و چه رابطه بابیزید دارد درباره صراحتی در حالنامه آمده، چون من حالنامه را در موقع این نوشته با خود نداشتم این موضوع را کنون به آینده می گذاریم. مشخصات این نسخه معتبر عرفانی ذیلاً رقم می گردد:

اندازه: ۱۲/۵ = ۲۲/۵

سطر: ۱۱

صفحات: ۲۸۲

خط: نستعلیق

زبان: فارسی دری

سال تحریر آن در متن و حواشی نسخه به نظر نرسید ولی روی صفحه اول (پشتی) تنها نام یکی از مالکان این نسخه بنام سید محمد مرتضی خان اصفهانی با دستخط اش دیده می شود که معلوم این نسخه تا سال 1311 هجری قمری در ملکیت ایشان بوده است. درباره نام و هدف عریان الغیب در ضمن نسخه بزبان عربی می خوانیم که: "یا بابیزید طاعت شیخ الکامل طاعتی النبی وطاعت فینبعی ان مطلبی عن شیخ الکامل و یحذر عن جمع الحرام و یاکل قلیلاً حلال الطعام ولا یقول کسیر الکلام و یحذر عن کثیر المنام والا عتزال عن الانام و یذکرنی بذکر الدوام حتی یسه"

كل شى ونفسه ولم يسبه سواي حتى وجد جمع المقام جعلنا اسم هذا الكتاب عريان الغيب ومن عمل به يخرجنا له من الكفر الى الايمان ومن ذنوب الى الطاعته ومن غفلته الى الذكرومن سيئه الى رويته من صميته الى السماع ومن فضال الى الوصال
 درعريان الغيب سوالات ومسائل به جواب گرفته شده که ازطرف حسين بن حسن ازبايزيد هادی ، مسکين ، شيخ و پيرکامل طرح می شود که اين موضوعات ومسائل چون ايمان ، پيرکامل ، چهارعلم ويا چهار مقام (شريعت ، طريقت ، حقيقت ومعرفت) می باشد که همه آنها برمينای آيات قرآنی و احاديث نبوی و قدسی تشریح نموده است. تشریح آن تا حدی زياد با تشریح مسائل ومقامات که درخيرالبيان بزبان پشتو ارايه شده است همسانی دارد. درخيرالبيان نیز بايزيد يک مطلب را در قدم اول بامدلل ساختن آن با ذکرآيه مبارکه از قرآن مجيد بعداً با آوردن احاديث نبوی تشریح می کند که در بعضی موارد ترجمه آيه ها را بزبان فارسی نيزباآن توأم می يآورد که همين شيوه در عريان الغيب نیز در نظر گرفته شده است. طوریکه در خيرالبيان می خوانيم :

" اوبايزیده ! دخپلي پوهي په اټکل يې وکښه تمام. گوره انا کل شى خلقنا بقدر "
 (تحقيق هرشی را پيدا کرده ام با اندازه) په قرآن کې دي عيان (کان بقدر علم و عقل الانسان) هادي ويلي دي رحمت دخدای په ده داکلام "

درعريان الغيب در باره علم به مريد خود ذکر می کند که :

" علم نبي چهار است اول شريعت ودوم علم طريقت وسوم علم حقيقت وچهارم معرفت باين چهار علم گفتنی (گفتنی) هر مقام مکوی (میگویی) وهرکردنی میکنی وازناگفتنی (گفتنی) وازناکردنی حذر میکنی واز رویت واز یافتن واز شناختن و از قربت واز وصلت واز توحید حق خبرداری فهو المراد پس خود را صادق مطلق بشمار وبعد ذلک بیقین راست باورکن که ايمان بخدای ورسول وی آورده وهرکه درین وصف بود اجر وی آنست که درقرآن یاد کرده است ولهم اجرهم نو ر هم ... (ص 64 قلمی)

همزمان با نوشته ذکر شده درباب آموختن این چهار علم ، برداشتن و موقف پيرکامل نیز تاکید می کند و می نویسد :
 " ای عزیز این چهار علم که بیان کردم بی پيرکامل حاصل نمیشود پس سالک را باید که طلب پيرکامل بکند تا از پير راه بیابد وبی دین نماند وپير را باید که راه نمائی کند وپاندازه و معنی ترتیب آنست که چون زراعتی غله را زراعت کرده باشد وهرکياه (گیاه) که باغله برآمده باشد پرورده ونیکو برآید چون اخلاق بد از وی بستاند بعداز آن اخلاق نیکو بجا بنهد و شرط اول چیست (چیست) که چه کند اول شرط آنست که عقل ویرا درسر خواب برده است آن (را) بیدار کند و خواب از وی بیرون کند تا کوهر (کوهر) عقل وی منور گردد (گردد) و تا هنوز عقل کار منفعت دین بود آن بکند واز آن (آن) که زیان دین باشد از آن حذر کند بنکر (بنگر) که مشایخ کامل فرموده است العقل ينأى فى الانسان من لم استيقظ عقله لم يخرج من ظلمت الى النور ولم يروه ولم يعرفه فى الظلمة اضر الدين ولا تنفعه دوم آنکه از هوای نفس یعنی آرزوی تن بازگرداند (گر) و چشم عقل بهوای نفس دارد یعنی آرزوی تن بچشم عقل فهم دارد تا بفرمان هوأ نفس کار نکنند از آن که سرمایه کناه (گناه) آرزوی تن است و هرنبی وغیرنبی را از راه گمراه کر (گر) داند... " (80 مخ قلمی)



عريان الغيب صفحات ۱۱ - ۱۲ قلمی

د پانو شميره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 يادونه: دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

سبک نوشتن این نسخه مهم و معتبر:

طوریکه در آغاز یادآوری گردید عریان الغیب در برابر سوال های یکی از عزیزان و مریدان روشن ارایه گردیده است و تقریباً شکل ملفوظات بایزید هادی را دارا می باشد. از آنجائیکه روند تصوف در درهندوستان و خراسان و فارس وخت نشان می دهد نوشتن و گفتن ملفوظات پدیده ناآشنا در مطالعات تصوفی نبوده است. اکثر از مرشدان سلاسل عرفانی که درهندوستان رشد نموده ملفوظات شانرا به مریدان خود به میراث مانده است در طریقه چشتیه ملفوظات حضرت نظام اولیا بزرگترین رهنمای این طریقه بنام (فوائد الفواد) تا کنون در دسترس ماست همچنان بزرگان نقشبندی مانند باقی بالله و حضرت مجدد الف ثانی نیز ملفوظات ارایه داشته اند که تا کنونی برای حلقات معین تصوفی حیثیت رهنمود عرفانی و طریقتی دارد. خلاصه اینکه این نوع از آثار در بین عارفان ادوار مختلف معمول بوده است که بایزید نیز عریان الغیب را تقریباً به شیوه و شکل ملفوظات خود ارایه داشته است. و از همه جالبتر اینکه بیان و ارایه مطالب ارایه شده به زبان فارسی برای کسانی که درباره روشانیان و آثار شان مطالعه دارند یک برجسته گی استثنایی را در میان تمام آثار روشانی از آن خود می کند علامه حبیبی یک اثر بایزید روشن را از لحاظ ارایه زبان فارسی (شکسته و ریخته) خوانده است ولی در انشای مطالعه این اثر با شیوه خاص و طرز نوشتن خاص زبان فارسی که از لحاظ املا و انشا کمی ها و کاستی های اندکی دارد روبرو می گردیم. به این معنی که عریان الغیب با زبان دری عالی مانند شماری از بهترین آثار از عارفان این دوره ثبت کرده می توانیم. دوست عزیز و نویسنده توانای افغان جناب محمد معصوم هوتک نیز با خواندن چند ورق از این اثر با انشای عالی این اثر با این پنده هم نظر بوده است.



صفحات آخر عریان الغیب

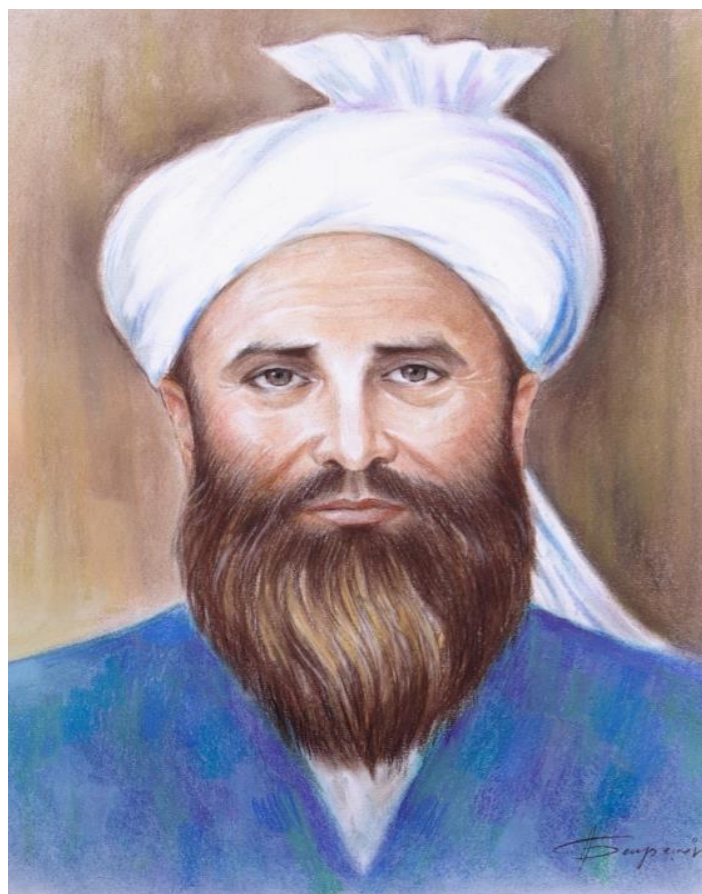
د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ټولنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

به هر صورت این یادواره آگاهی بخاطر دوستان بوده که با آثار فارسی عارفان روشانی که بدون شک از افتخارات بزرگان گذشته و عرفان جاویدان ما اطلاعی دارند ارایه گردید. و تلاش خواهیم کرد که این نسخه و این در نایاب که یک اضافه عرفانی در زبان فارسی بوده است ترتیب و تصحیح نموده و در خدمت (یاران حقیقت و طریقت) قرار خواهیم داد ما باورمندیم که کشف این گونه آثاری که توسط نیاکان ما ایجاد و بعد به آن دیار رسیده است باعث سربلندی نسل های بعدی ما خواهند بود .

در بیان عریان الغیب از شیوه نثر مسجع دری که حضرت بایزید روشن از آن در نثرنویسی زبان پشتو بکار برده کارگرفته شده است که با یک نمونه آن این آگاهی را نیز پایان می بخشیم .

" یا حسین درین تمثیل فهم کن که عزازیل چند علم خوانده بود و چند ملک و مملکت را دیده بود و چند جای طاعت و عبادت کرده بود چون حق سبحانه و تعالی امر کرد که به آدم سجده کن و وی سجده نکرد چون بیک امر خداوند بی فرمانی کرد بخدای عاصی شد باز توبه و زاری و باز گشت (گشت) نکرد مجرم و در تاریکی دور راند کجا و در زیان کاری بماند بخدای عاصی شد که در قرآن یاد کرده و گفته (گفته) است ان الشیطان کان للرحمن عصیاً یعنی توبه نکرد و در معصیت ماند صفت و نامش بدل شد شیطان گشت (گشت) و مطیع وی دایم در عذاب شد باز بقصه آدم فهم کن که آدم صلوات الله علیه چه گونه (چگونه) صورت یافته بود و روح در آمده بود و به بزرگی (گی) رسیده بود و عالم ملکوت و پیرا سجده کرده بود و در بهشت در آمده بود و از نعمت بهشت کوناگون (گوناگون) خورده و چسبیده (چسبیده) بود و کوناگون (گوناگون) حله بهشت بتن وی پوشیده بود و تاج بهشت بر سر وی نهاده بود لیکن یکنهی پیش آدم صلوات الله علیه نهاده بود که به نزد درخت مکرد (مگرد) و فرمان شیطان نیز چون این یک بی فرمانی کرد و هر چند که فضل درجه مذکور یافته بود ... "



بایزید انصاری، سراج الدین (پیر روشن)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنیزې ډلېکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ